

ریفغشتال، به‌عنوان یک تدوینگر زبردست، روایت پس از مرگ‌اش را بی‌نقص مهندسی کرده بود. اما به‌تدریج ترک‌هایی در میان پرونده‌ها و اسناد ظاهر شد: یادداشتی در تقویم با مضمون «آری دادن به حزب NPD» (حزب نئونازی پس از جنگ)، ضبط‌هایی از مکالمات تلفنی که در آن‌ها از «شرافت و فضیلت» دوران نازی اظهار دل‌تنگی می‌شود و بخشی گم‌شده از مصاحبه‌ای در سال ۱۹۳۴ با دیلی اکسپرس که وقتی از آرشیو روزنامه بازیابی شد، نشان داد که او از کتاب «نبرد من» نوشته هیتلر به‌شدت تحت تأثیر قرار گرفته و خود را «ناسیونال سوسیالیستی دوآتشه» توصیف کرده است.

نقشی فراتر از یک ناظر

علاوه بر این نامه‌های شخصی در وسایل و اموال ریفغشتال وجود داشت که روایت تازه‌ای از حضور او در لهستان به‌عنوان خبرنگار جنگی و مشاهده‌اش از یکی از نخستین قتل‌عام‌های یهودیان در کونشکه در سپتامبر ۱۹۳۹ ارائه می‌داد؛ روایتی که سرتاپا با آنچه ما شنیده بودیم متفاوت است. ریفغشتال ابتدا مدعی شد شاهد تیراندازی نبوده، سپس گفت که دیده اما وحشت‌زده شده است. با این حال نامه‌های موجود در آرشیونشان دهنده روایتی پیچیده‌تر هستند. یکی از نامه‌ها به گزارش نظامی اشاره دارد که در آن آمده بود، ریفغشتال برای فیلم‌برداری، دستور تخلیه یهودیان از میدان شهر را داده بود؛ دستوری که از سوی یکی از نیروهای نظامی به‌شکلی خشن منتقل شده: «یهودی‌ها را دور کنید». در ادامه آمده: «در پی این فرمان، برخی از یهودیان لهستانی تلاش به فرار کردند و تیراندازی آغاز شد.»

فیل می‌گوید: «در آغاز من کارآگاه بودم، دنبال گناه او می‌گشتم. اما بعدتر فهمیدم خودش کار را تمام کرده.»

بازگشت زیبایی‌شناسی فاشیستی؟

فیل و مایشرگر در حین ساخت مستند، به احیای دوباره تصاویر و زیبایی‌شناسی ریفغشتال در فضای رسانه‌ای معاصر نیز توجه داشتند؛ از مشت برافراشته دونالد ترامپ پس از سوءقصد به جان او تازه‌های نظامی مسکو. برای آن‌هایی که هنوز از ریفغشتال به‌عنوان یک «هنرمند ناب» دفاع می‌کنند، مستند پیام روشنی دارد: «در استفاده از این زیبایی‌شناسی‌ها هیچ معصومیتی نیست.» مستند با حداقل روایتگری ساخته شده، اما با تدوین‌های هوشمندانه تناقض‌های گفتر ریفغشتال را آشکار می‌کند. مثلاً ادعای او در مستندی از سال ۱۹۹۳ مبنی بر این‌که پیروزی اراده «هیچ هدف یا انگیزه سیاسی ندارد» با فاصله‌با صحنه‌ای از

جایی سیاه درون صفحات تاریخ

لنی ریفغشتال به مهارت چشمگیرش در ترکیب جلوه‌های بصری و موسیقی در سینما معروف است. در پیروزی اراده از نماهای هوایی گسترده، حرکت دوربین‌های سیار و فرم‌های هندسی صحنه‌پردازی برای ایجاد تمایز و القای حس عظمت بهره برد و از لنزهای تلفوتو برای فشرده کردن فضا و تأکید بر هم‌آمیزی جمعیت استفاده می‌کرد؛ مثل پلان‌های نزدیک از چهره‌های پرشور حاضران یا از زوایای پایین‌به‌بالا که هیتلر و هربان نازی را در قامت قهرمان جلوه می‌داد. در المپیا نیز دوربین روی ریل حرکت می‌کرد تا با پدپای ورزشکاران برود و با گُندکردن حرکات آنها، شور و زیبایی ورزش را به‌شکلی شعاری جلوه دهد. ترکیب این تکنیک‌ها باعث شد تا آثار ریفغشتال در زبان سینمایی جهان و موج‌هایی که بعد از آن شکل گرفت اثرگذار باشد. فرانک کاپر در مجموعه مستندهای جنگی خود «چرا می‌جنگیم» (Why We Fight)، نماهایی از پیروزی اراده را بازتعریف کرد تا نشان دهد چگونه تصویرسازی او می‌تواند به‌عنوان ابزاری برای مقاصد متضاد نیز به کار رود.

در سال‌های پس از جنگ جهانی اول ریفغشتال هرگز موفق نشد تصویر عمدتاً متنفردنمای عمومی‌ی از خود را بازسازی کند. اگر چه آزمایش‌های عکاسی و فیلم‌برداری زیرآب او مورد توجه قرار گرفت و کتاب‌هایی همچون «آخرین آفریقایی‌ها» (Die Ntuba) نوشت و منتشر کرد، حرفه فیلم‌سازی‌اش عملاً به تخط رسیده بود. او در دهه‌های پایانی عمرش بارها با طرح دعاوی حقوقی علیه کسانی که او را هم‌دست نازی‌ها خوانده بودند، به پیروزی رسید. بیش از ۵۰ دعوی حقوقی را برد و همیشه هم از این پیروزی‌ها به‌عنوان سندی برای ادعایش یاد می‌کرد. لنی ریفغشتال در سال ۲۰۰۳ چشم از جهان فروبست اما نقش‌نمای احساسی و حضور آثار و ساخته‌هایش در تحلیل‌های فرهنگی ومطالعات سینمایی همچنان باقی است. بسیاری او را چهره‌ای «متضاد» می‌دانند. از یک‌سو، استعداد سینمایی و نوآوری‌های بصری‌اش ستایش شده و در مقابل، نیز پای‌بندی‌اش به ایدئولوژی نازی و نقش مهم‌اش در ماشین تبلیغاتی رایش سوم سرزنش. او هم چهره‌ای خلاق و پیشگام در سینماست، هم نمادی از تلاقی نگران‌کننده زیبایی‌شناسی و ایدئولوژی؛ هنرمندی خوش قریحه که سینما در دستانش نیرویی قدرتمند برای تبدیل واقعیت به اسطوره بود، اما نهاد خاموش او در برابر جنایت‌های نازی‌ها، زیر سایه سنگین ارزیابی‌های اخلاقی است. او به‌خاطر آنچه نشان می‌دهد، تحسین می‌شود اما به‌خاطر آنچه پنهان کرده، ملامت شده است. این بزرگ‌ترین پارادوکس لنی ریفغشتال و آثارش است. هنرمندی که حتی تاریخ هم به او جایی سیاه میان سفیدترین صفحاتش می‌دهد.

سخرنانی خشم‌آلود «یولیوس اشتربشر»، تبلیغات‌چی نازی که درباره «لژوم حفظ پاک‌ی نژادی» فریاد می‌زند، در تضاد قرار می‌گیرد. هر چه دست‌اندرکاران اصلی مستند، مصاحبه‌های بیشتری از ریفغشتال مرور کردند، روش‌های او برای بازسازی چهره‌اش پس از جنگ آشکارتر شد. او که پیش از کارگردانی بازیگر بود، از تمام «ابزارهای هنرمندانه»اش استفاده می‌کرد تا همدلی خود با نازیسم را بیوشاند. در مستند، او را در نقش‌های گوناگون می‌بینیم: اغواگر و دلقرب با لبخندهای مرموز و تعارف‌های دوستانه، خشمگین و پرخاشگر هنگام قطع ناگهانی مصاحبه‌ها، مظلوم‌نما که از «سختی باور نشدن» می‌نالَد و ساده‌دل، مخصوصاً در مصاحبه‌های انگلیسی‌زبان، جایی که با چشمانی معصوم می‌پرسد: «منظورتان از «ناپدید شدن» چیست؟».

فیل با استفاده از بزرگ‌نمایی و حرکت آهسته، مخاطب را به‌شکلی ناخوشایند به نگاه و ژست‌های ریفغشتال نزدیک می‌کند. در ابتدای مستند، برش‌هایی از عکس‌های او در سنین مختلف دیده می‌شود که در همه آن‌ها نگاه نافذش در مرکز قاب قرار دارد؛ زیبایی‌ای خیره‌کننده که روزنامه‌نگار آمریکایی، والتر وینچل، آن را «ازبها همچون صلیب شکسته» توصیف کرد. فیل می‌گوید: «ما توانایی‌اش در صحنه‌سازی خودش را نشان می‌دهیم؛ روش‌های گوناگون با آگاهی از تأثیرگذاری‌شان.»

یکی از نامه‌ها به

گزارشی نظامی اشاره

دارد که در آن آمده

بود، ریفغشتال برای

فیلم‌برداری، دستور

تخلیه یهودیان از

میدان شهر را داده

بود؛ دستوری که از

سوی یکی از نیروهای

نظامی به‌شکلی

خشن منتقل شده:

«یهودی‌ها را دور

کنید». در ادامه آمده:

«در پی این فرمان،

برخی از یهودیان

لهستانی تلاش به فرار

کردند و تیراندازی

آغاز شد

سه شنبه ۱۶ اردیبهشت ۱۴۰۴
سال چهارم - شماره ۷۷۸
www.hammihanonline.ir

کارگردان هم‌وطن‌اش (۱۹۷۴-۱۸۸۹) همه‌بدل کاری‌ها را خود انجام می‌داد. اغلب تنها زن گروه بود؛ از صخره‌ها بالا می‌رفت، در آب یخ فرومی‌رفت و زیر بهمن مصنوعی خفه می‌شد. فیل می‌گوید: «نوعی آمادگی بلندمدت وجود داشت. این که هیتلر او را برای ساخت فیلم‌ها انتخاب کرد، تصادفی نبود. او نوعی نگاه دوباره به انسان داشت: ستایش نیرومندان و طرد ضعیفان و بیمارها. در مقطعی او را نمونه‌ای از فاشیسم در نظر گرفتیم.»

میان درک و تیره

فیل در تحلیل تأثیر تربیت، تاریخ و سیاست بر ذهنیت ریفغشتال، بر مرز باریک میان درک و تیره تأکید می‌کند: «مهم بود که او فقط یک نازی شرور نباشد. او یک انسان است و این او را خطرناک‌تر می‌کند، چون از دل جامعه‌ما برآمده. من می‌خواستم درک‌اش کنم، اما نه این که مسئولیت‌اش را بخیشم.»

در جاهایی، مستند به روان‌کاوی نزدیک می‌شود: «این آرمان زیبایی و پاک‌ی، ابزاری برای سرکوب بخش خشن تجربیاتش بود.» اما فیل ادعان می‌کند که این‌ها بیشتر حدس هستند تا حقیقت؛ چه در مورد خاطرات کودکی و چه درباره روایت‌های متفاوت او از کونسکه. مستند در این بخش‌ها بر زمینی لرزان و میان افشا و عدم‌اطمینان حرکت می‌کند: «من داور نیستم که بگویم چه چیزی ساختگی است و چه چیزی واقعی.»

برای مقابله با این ابهام، فیل بر وفاداری کامل به اسناد تأکید داشت: «وقتی درباره کسی فیلم می‌سازِی که تمام زندگی‌اش را با فریب ساخته، استفاده از هوش مصنوعی برای ما خطر مرز است.» سبک بصری فیلم نیز از فیزیک ارشیو الهام گرفته؛ پوشه‌ها، نوارها و آلبوم‌های عکس؛ واقعیتی ملموس که شخصیت لغزان فیلم را مهار می‌کند. «در فهم فعلی‌مان از ریفغشتال، او بیش از هر چیز قدرت وسوسه‌برانگیز طفره رفتن را نشان می‌دهد و نمایندگی می‌کند. فیل امیدوار است مستند جدیدی که از ریفغشتال ساخته شده، فهم عمیق‌تری از «ساختار و ضرورت اسطوره‌سازی» و بستر شکل‌گیری دروغ‌ها ایجاد کند. حتی وقتی شکاف‌ها و تناقض‌ها در روایت ریفغشتال آشکارند، هنوز کسانی هستند که از او دفاع می‌کنند. فیل می‌گوید: «مهم نیست که او آشکارا دروغ می‌گوید. مردم دروغ را می‌خواهند. این نکته کلیدی است.»

مستند ریفغشتال از ۹ مه در سینماهای بریتانیا اکران می‌شود و از ۳۰ آوریل تا ۲۸ مه در جشنواره فیلم آلمان در سراسر استراليا به نمایش درمی‌آید.

منبع:گاردین

آگهی مناقصه عمومی دو مرحله‌ای

شرکت پالایش گاز ایلام در نظر دارد اقلام مورد نیاز خود را با شرایط ذیل از طریق مناقصه عمومی تامین نماید.

شماره مناقصه : ۱۳/۰۲/۱۴۰۴

موضوع مناقصه : خرید، نصب و راه اندازی تجهیزات سیستم اعلان حریق نیروگاه و مخازن
مبلغ تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار (مناقصه) : به میزان ۸,۲۵۹,۵۰۰,۰۰۰ ریال
نوع تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار (مناقصه): ضمانتنامه بانکی
آخرین مهلت دریافت اسناد از سامانه ستاد توسط مناقصه گران : ۱۴۰۴/۰۲/۲۰
آخرین مهلت درج اسناد در سامانه ستاد توسط مناقصه گران : ۱۴۰۴/۰۳/۰۵
تاریخ اعلام نتیجه ارزیابی کیفی و گشایش پاکات الف : ۱۴۰۴/۰۳/۰۶
تاریخ اعلام نتیجه ارزیابی فنی : ۱۴۰۴/۰۳/۱۳
تاریخ گشایش پاکات مالی "ج" : ۱۴۰۴/۰۳/۲۰
آدرس دریافت اسناد الکترونیک : www.setadiran.ir
آدرس پستی مناقصه گزار : ایلام / شهرستان چوار / صندوق پستی ۶۹۳۶۱-۱۴۴ / کد پستی ۶۹۳۷۱۷۰۱۰۵ / دبیرخانه کمیسیون مناقصات
مناقصه گران می‌توانند جهت کسب اطلاعات بیشتر با شماره تلفن ۲۰۶۷۲ و ۰۸۴-۳۲۹۱۲۸۵۰ (دبیرخانه کمیسیون مناقصات) تماس حاصل فرمایند.

شناسه آگهی : ۱۹۳۳۵۷۴

آگهی فراخوان ارزیابی کیفی مناقصه عمومی دومرحله‌ای

نوبت دوم

مناقصه شماره ۳۵-۱۴۰۴-۱۳۲۷

شماره فراخوان در سامانه ستاد ۲۰۰۴۶۰۰۱۰۳۴۰۰۰۰۰۰۶

شرکت نفت و گاز پارس (کارفرما) در نظر دارد انجام خدمات ذیل را از طریق برگزاری مناقصه عمومی دو مرحله‌ای با شرایط زیر به پیمانکار ذیصلاح واگذار نماید:
شرح پروژه : تأمین و راهبری یک تا دو فروند شناور تدارکاتی سکو (PSV) برای مدت ۳ سال در منطقه پارس جنوبی مطابق با مشخصات فنی ذکر شده در اسنادمناقصه
شرایط مناقصه‌گر:
۱- داشتن تجربه کافی و مرتبط با موضوع مناقصه
۲- دارا بودن ظرفیت آماده به کار آزاد با ارایه خوداظهاری در سربرگ شرکت، وفق فرمت مورد تایید مناقصه‌گزار.
۳- توانایی ارائه تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار به مبلغ ۱۱۳,۷۳۴ یورو برای تامین یک فروند شناور و مبلغ ۱۶۷,۹۵۵ یورو برای تامین دو فروند شناور به صورت وجه نقد و با ضمانت نامه معتبر بانکی از بانک‌های معتبر و مورد تأیید کارفرما، مطابق با آیین نامه تضمین برای معاملات دولتی مصوب سال ۱۳۹۴
۴- ارائه اسانامه، آگهی تاسیس و آخرین تغییرات ثبتی هیأت مدیره شرکت.
۵- ارائه صورت‌های مالی حسابرسی شده توسط سازمان حسابرسی یا حسابداران رسمی ذی صلاح مربوط به سال ۱۴۰۲ به همراه تاییدیه ثبت صورت‌های مالی حسابرسی شده در سامانه پردیس جهت تایید اصالت گزارش.
۶- برآورد کارفرما برای اجاره دایمی سه ساله یک فروند شناور تدارکاتی سکو ۴,۰۸۷۲,۷۵۰ یورو و برای دو فروند شناور تدارکاتی ۹,۷۴۵,۵۰۰ یورو می باشد.

نحوه دریافت اسناد استعلام: از کلیه اشخاص حقوقی واجد شرایط دعوت می‌گردد حداکثر سه روز پس از انتشار آگهی نوبت دوم جهت دریافت اسناد و مدارک ارزیابی کیفی به نشانی اینترنتی setadiran.ir سامانه تدارکات الکترونیکی دولت مراجعه و اسناد استعلام ارزیابی کیفی را دریافت نمایند. لازم به توضیح است که پس از انجام فرآیند ارزیابی کیفی، اسناد مناقصه میان متقاضیان واجد شرایط توزیع خواهد شد. بدیهی است ارائه مدارک هیچ گونه حقی را جهت متقاضیان برای شرکت در مناقصه ایجاد نخواهد کرد.

🔴 **تاریخ تحویل پیشنهاد استعلام ارزیابی کیفی: چهارده روز پس از آخرین مهلت دریافت اسناد استعلام ارزیابی کیفی.**

🔴 **تاریخ تحویل مدارک مناقصه: تاریخ دریافت مدارک مناقصه و محل آن متعاقبا به اطلاع واجدین شرایط خواهد رسید.**

🔴 **آخرین مهلت تحویل پیشنهاد و تاریخ گشایش پیشنهاد: طبق تاریخ‌های مندرج در اسناد مناقصه**

لازم به ذکر است پیشنهادات ارائه شده توسط مناقصه‌گران بایست تا ۳ ماه معتبر باشد.

در صورت نیاز به اطلاعات بیشتر متقاضیان می‌توانند با شماره تلفن ۵ و ۰۸۴-۸۷۲۶۲۰۶۴ تماس حاصل نمایند.

شناسه آگهی: ۱۹۲۳۴۶۲

روابط عمومی شرکت نفت و گاز پارس

نقد فرهنگی

تجمل مرگ، فقر اندوه



منتقد فیلم

در دورانی که حتی سوگواری هم به بخشی از «نمایش اجتماعی» تبدیل شده، مفاهیمی چون اندوه، احترام و فقدان نیز در لابه‌لای زرق و برق‌ها گم‌رنگ شده‌اند. دیگر کمتر کسی از خود می‌پرسد: «برای چه کسی این مراسم برگزار می‌شود؟» آیا واقعاً برای کسی که رفته یا برای کسانی که مانده‌اند و می‌خواهند دیده شوند؟ شاید یکی از نشانه‌های برجسته این دوران، جایگزینی حس با قالب باشد. آیین‌هایی که زمانی قرار بود تسلی‌بخش باشند، حالا به صحنه‌ای از رقابت و خودنمایی بدل شده‌اند. مهم نیست که متوفی در زمان حیات‌اش چه جایگاهی داشته یا چگونه زیسته؛ مهم این است که در مرگ، فرصتی برای تجملات فراهم آمده. مراسم ختم به پروژه‌ای تبلیغاتی شباهت پیدا کرده و گل‌ها- بی‌عطر و مصنوعی- تنها نمادی‌اند از احترامی که نه از دل، بلکه از عرف و اجبار نشأت گرفته.

بازماندگان نیز گاهی در میانه این توفان تشریفات، فراموش می‌کنند که سوگواری، بیش از هر چیز، فرصتی است برای درنگ، برای فکر کردن به فناپذیری و برای تجدیدنظر در سبک زندگی. اما وقتی چشم‌ها مدام به لیست مهمانان، کیفیت پذیرایی و انعکاس خبری مراسم دوخته شده، دیگر مجالی برای تأمل باقی‌نمی‌ماند.

مضحک‌تر آن که بسیاری، از مدت‌ها پیش برای این روز برنامه‌ریزی کرده‌اند. وصیت به‌سبک برگزاری مجلس ترحیم، لیست مهمان‌های خاص، سفارش برگزاری در مساجد و سالن‌های لوکس. گویا مرگ نیز باید با آبرو و شکوه انجام شود. در چنین فضایی، اندوه خالص و همدردی صادقانه، اگر وجود هم داشته باشد، زیر آوار نمایش‌ها دفن می‌شود.

از سوی دیگر، جامعه نیز این رفتار را نه‌تنها نقد نمی‌کند، بلکه به آن پاداش می‌دهد. کسی که مراسم مفصل‌تری برگزار کرده، انگار که ارزشمندتر زیسته است. این نگرش، دردناک‌ترین وجه ماجراست؛ آن‌جا که مرگ نیز به رقابت طبقاتی بدل می‌شود و این رقابت، ریا را به فضیلت و سادگی را به کاستی تبدیل می‌کند. جای اندوه، رقابت نشسته؛ رقابتی تلخ و بی‌روح برای دیده‌شدن، برای بهتر جلوه‌داند، برای برگزاری مراسمی که نه برای متوفی که برای مخاطبانش طراحی شده. در این میدان، ریا به ابزار ارتباط بدل شده و تظاهر به احساس نـُرم رفتاری مقبول. کسی صادقانه نمی‌گرید، مگر آن‌که بداند اشکش ثبت نمی‌شود. حضورها، گاه نه از سر علاقه، که به امید دریافت مواعبی در آینده است؛ که نکند در مراسم خود تنها بمانند، یا نام‌شان از لیست آینده پست‌ها حذف شود. عزاداری بدل شده به دادوستدی نانوشته؛ من امروز می‌آیم، تو فردا جبران کن. گویی هر نگاه و هر پیام تسلیت، سطرِی است در فاکتور انتظار. در این میان، آن‌چه غایب است، همان جوهره حقیقی سوگواری است: دلدادگی، وفاداری و سکوتی که از عمق احترام برمی‌خیزد.

اما چه کسی قرار است این چرخه را بشکند؟ آیا ما شجاعت ایستادن در برابر این عرف نمایشی را داریم؟ آیا می‌توانیم در روز وداع با عزیزان، ساده، انسانی و بی‌تظاهر باشیم؟ شاید سخت باشد، اما گام نخست، آگاهی است. دانستن این‌که چنین نمایشی وجود دارد و پذیرش این‌که می‌توان جور دیگری هم بود.

شاید وقت آن رسیده باشد که به‌جای سرمایه‌گذاری بر ظاهر مراسم، بر باطن آن تمرکز کنیم، به‌جای سفارش گل‌های بزرگ و شام‌های مفصل، به فکر دل‌هایی باشیم که به‌اندوه دچار شده‌اند، به‌جای تابلوهای تسلیت و تاج‌های گل، یک تماس، یک حضور بی‌تکلف و دعایی از عمق دل، ارزشی راستین دارد.

درنهایت مرگ نه صحنه‌ای برای دیده‌شدن، که آینه‌ای است برای بازتاب آنچه کاشته‌ایم. بیاییم خود را در این آینه، بی‌فیلتر ببینیم. اگر روزی نوبت ما رسید، می‌خواهیم چگونه به یاد آورده شویم؟ با گل‌های گران قیمت و مجالس پرتجمل، یا با خاطره‌ای صادقانه در دل چند دوست واقعی؟

شاید وقت آن رسیده که ببزیریم؛ شکوه مرگ، در صداقت سوگواری است، نه در صحنه‌سازی مراسم. شکوه مرگ، نه در تعداد مهمان‌ها، نه در بزرگی سالن یا تعداد تاج‌های گل. شکوه حقیقی، در لحظه‌ی همدردی صادقانه است، سکوتی که از دل برمی‌خیزد، در نگاهی که یاد متوفی را با احترام و مهر به خاطر می‌آورد. صداقت در سوگواری یعنی حضور بی‌تظاهر، یعنی دست فشردن بازمانده‌ای نه از سر وظیفه، که از سر همدلی. یعنی دعا کردن بی‌آن‌که کسی ببیند و یادآوری فضیلت‌های یک عمر، نه نمایش لحظه‌های پایانی.